



## Study of the interaction of the lur ethnic group with the national government of iran and their perception of ethnicity and the national state

Mohammad Reza Rask<sup>1</sup> | Ahmad Naderi<sup>2</sup>

1. Ph.D Candidate in Antropology, Faculty of Social Sciences, University of Tehran, Tehran, Iran. E-mail:

[mr.rask76@gmail.com](mailto:mr.rask76@gmail.com)

2. Associate Professor, Department of Antropology, Faculty of Social Sciences, University of Tehran, Tehran, Iran.

(Corresponding Author), E-mail: [anaderi@ut.ac.ir](mailto:anaderi@ut.ac.ir)

### Article Info

#### Article type:

Research Article

#### Article history:

Received: 2024-09-13

Received in revised form:

2024-10-13

Accepted: 2024-10-28

Published online: 2024-11-08

#### Keywords:

Lor ethnic group, National state, Boyerahmadi tribes, Ethnicity, Nationality

### ABSTRACT

**Purpose**-The Lor people are one of the ancient ethnic groups of Iran, residing in the western and southwestern regions of the country, particularly in the provinces of Lorestan, Kohgiluyeh and Boyer-Ahmad, Ilam, and parts of Khuzestan and Chaharmahal and Bakhtiari. The history of the Lor people's interactions with various Iranian governments, including the Safavid, Qajar, Pahlavi, and Islamic Republic periods, reflects many ups and downs. This study aims to examine the impact and nature of the Lor people's relationship with the Iranian national state and their perception of the concept of the national state.

**Methodology**- The research method in this study has been historical-critical. The importance and necessity of this research lie in gaining a better understanding of inter-ethnic relations and their impact on national cohesion and government policymaking. Accordingly, the main research question is: How has the relationship of the Lor people with the Iranian national state and their perception of this concept been influenced by their experiences and interactions with it?

**Findings**-Based on the theoretical approach of this paper, which is relative deprivation, the findings indicate that the Lor people's understanding of the national state is a combination of historical, cultural, and political experiences that play a significant role in shaping their interactions and cooperation with the central government. Since the establishment of the national state in Iran, the Lor people have felt a sort of barrier between themselves and the government. During Reza Shah's era, this identity gap led to many tensions, including the Tameradi battle between the central government and the Lor and Boyer-Ahmadi people. These tensions also existed with other ethnic groups, such as the Arabs and Kurds, with the central government. During the second Pahlavi era, the confrontation between the national government and the Lor people was less pronounced. With the occurrence of the Islamic Revolution, and considering the participation of the Lor people and Boyer-Ahmadi nomads in the revolution, a degree of tolerance emerged. However, there is still a need for addressing some of the Lor people's needs by the national government in the Lor-inhabited regions. The interactions of the Lor people with the central government have been complex and challenging on the one hand, due to their cultural and nomadic prejudices and their resistance to change. In the second Pahlavi period, the application of central power established peace and stability to some extent. With the occurrence of the Islamic revolution, the attitude of the government towards the Lor people has improved and the national government should pay more attention to the Lor residents in order to help development and progress and prevent tensions with these peoples.

**Cite this article:** Rask, M. R. & Naderi, A. (2024). Study of the interaction of the lur ethnic group with the national government of iran and their perception of ethnicity and the national state, *Iranian Journal of Anthropological Research*, 14(26), 218-236. Doi: [10.22059/ijar.2024.382257.459886](https://doi.org/10.22059/ijar.2024.382257.459886)



© The Author(s).

Publisher: University of Tehran Press.

DOI: [https://ijar.ut.ac.ir/article\\_99175.html](https://ijar.ut.ac.ir/article_99175.html)

## مطالعه تعامل قوم لر با دولت ملی ایران و پنداشت آنها از قومیت و دولت ملی

محمد رضا راسک<sup>۱</sup> | احمد نادری<sup>۲</sup>

۱. دانشجوی دکتری مردم‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، تهران، ایران، رایانامه: [mr.rask76@gmail.com](mailto:mr.rask76@gmail.com)
۲. دانشیار، گروه مردم‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، تهران، ایران، (نویسنده مسئول)، رایانامه: [anaderi@ut.ac.ir](mailto:anaderi@ut.ac.ir)

### چکیده

### اطلاعات مقاله

نوع مقاله: مقاله پژوهشی

**هدف:** قوم لر یکی از اقوام باستانی ایران است که در مناطق غربی و جنوب‌غربی کشور، به‌ویژه در استان‌های لرستان، کهگیلویه و بویراحمد، ایلام و بخش‌هایی از خوزستان و چهارمحال و بختیاری ساکن هستند. تاریخ تعامل قوم لر با دولت‌های مختلف ایران، از جمله دوره‌های صفویه، قاجار، پهلوی و جمهوری اسلامی فراز و نشیب‌های زیادی داشته است. هدف این پژوهش بررسی تاثیر و تاجر و نوع رابطه قوم لر با دولت ملی ایران و همچنین ادراک آنها از مفهوم دولت ملی است.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۱/۳۱

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۰۳/۱۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۳/۱۶

تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۰۵/۱۱

**روش‌شناسی:** روش تحقیق این پژوهش، تاریخی-انتقادی است. اهمیت و ضرورت این پژوهش درک بهتر از روابط بین قومی و تاثیر آن بر همبستگی ملی و سیاست‌گذاری‌های دولت است. براین اساس پرسش اصلی این پژوهش این است که نوع رابطه قوم لر با دولت ملی ایران و ادراک این قوم از این مفهوم با توجه به تاثیر و تاجیری که از آن گرفته اند چگونه بوده است؟

**یافته‌ها:** بر پایه رهیافت نظری این مقاله که محرومیت نسبی است، یافته‌ها حاکی از آن است که درک قوم لر از دولت ملی ترکیبی از تجربه‌های تاریخی، فرهنگی و سیاسی است که نقش مهمی در شکل‌دهی به تعاملات و همکاری‌های آنها با دولت مرکزی ایفا می‌کند. قوم لر از زمان تاسیس دولت ملی در ایران، نوعی دیوار را در بین خود و حاکمیت احساس کرد که در زمان رضاشاه، این شکاف هویتی موجب تنش‌های بسیاری از جمله نبرد تامرادی بین دولت مرکزی و قوم لر و بویراحمدی‌ها شد. این تنش‌ها البته در بین دیگر اقوام مانند اعراب و کردها نیز با دولت مرکزی وجود داشت. در زمان پهلوی دوم نیز تقابل بین دولت ملی و قوم لر با ضریب کمتر وجود داشت و با وقوع انقلاب اسلامی، با توجه به مشارکت قوم لر، و عشایر بویراحمدی در جریان انقلاب اسلامی، نوعی تساهل بوجود آمد که البته نیاز به رفع برخی از نیازهای قوم لر از طرف دولت ملی در مناطق لر نشین وجود دارد.

### کلیدواژه‌ها:

قوم لر، دولت ملی، عشایر بویراحمدی، قومیت، ملیت

**استناد:** راسک، محمد رضا. و نادری، احمد. (۱۴۰۳). مطالعه تعامل قوم لر با دولت ملی ایران و پنداشت آنها از قومیت و دولت ملی، پژوهش‌های انسان‌شناسی ایران، ۱۴

Doi: [10.22059/ijar.2024.382257.459886](https://doi.org/10.22059/ijar.2024.382257.459886) ۲۳۶-۲۱۸، (۲۶)

ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران. © نویسندگان.

DOI: [https://ijar.ut.ac.ir/article\\_99175.html](https://ijar.ut.ac.ir/article_99175.html)

## مقدمه

تعامل دولت ملی ایران با قومیت‌ها در دوره‌های مختلف تاریخی به شکل‌های متفاوتی صورت گرفته است. ایران پیش از اسلام یک امپراتوری چندقومیتی بود که اقوام مختلف با حفظ هویت فرهنگی خود به نوعی خودمختاری نسبی دست یافتند. با ورود اسلام، حکومت‌های محلی و نیمه‌مستقل تشکیل شدند که هر کدام به نوعی تعامل با اقوام مختلف داشتند. صفویان تلاش کردند تا وحدت دینی و ملی را تقویت کنند و در عین حال به اقوام مختلف اجازه دادند تا هویت‌های فرهنگی خود را حفظ کنند. در دوران قاجار، دولت مرکزی ضعیف بود و مناطق مختلف ایران تحت حاکمیت خوانین و حکام محلی اداره می‌شدند که منجر به خودمختاری نسبی اقوام شد. در دوران پهلوی اول و در ادامه پهلوی دوم، سیاست‌های یکپارچه‌سازی فرهنگی و زبانی توسط رضاشاه پهلوی اعمال شد که منجر به مقاومت‌هایی از سوی اقوام مختلف گردید. همچنین در جمهوری اسلامی، توجه بیشتری به قومیت‌ها و فرهنگ‌های محلی شده است، اما همچنان چالش‌هایی مانند توسعه نایافتگی مناطق قومیتی و نابرابری‌های اقتصادی و اجتماعی وجود دارد.

تعامل دولت ملی ایران با قومیت‌ها همواره با چالش‌ها و فرصت‌های متعددی مواجه بوده است. از جمله چالش‌ها می‌توان به مشکلات اقتصادی، نابرابری‌های اجتماعی، مسائل امنیتی و تضعیف هویت‌های قومی اشاره کرد (سمعی، ۲۰۰۰؛ شاه‌قاسمی، ۲۰۱۷؛ الینگ، ۲۰۱۸). در عین حال، فرصت‌هایی مانند تقویت همبستگی ملی، توسعه مناطق قومیتی و افزایش مشارکت سیاسی اقوام مختلف می‌تواند به بهبود این تعامل کمک کند. در حالی که لرها به عنوان مردمانی جنگجو در تاریخ شناخته می‌شدند، از سال ۱۳۰۴ و همزمان با سلطنت رضاشاه، تلاش‌ها برای آرام‌سازی این قوم آغاز شد. رضاشاه، به منظور کنترل لرها، سران قبایل را از قدرت برکنار کرده و رهبران نظامی را جایگزین آنان کرد تا سیاست‌های دولتی را اجرا کنند. وی همچنین اقدام به تبعید برخی قبایل به سرزمین‌های دوردست، اجبار عشایر به یکجانشینی و خلع سلاح تمام افراد قبیله نمود.

اقدامات رضاشاه در یکدست‌سازی کشور، باعث بروز درگیری‌ها، تبعیض و تنش‌های زیادی شد. در دوران پهلوی دوم نیز سیاست‌های رضاشاه تا حدی ادامه یافت، اما نوعی تساهل با قوم لر مشاهده می‌شد که نگرش این قوم نسبت به دولت مدرن را تغییر داد. با این حال، پس از انقلاب اسلامی و به دلیل مشارکت عشایر لر در این رویداد، نوعی آشتی میان لرها و دولت ملی شکل گرفت. این مقاله به بررسی تاثیرات و تعاملات قوم لر با دولت ملی ایران و ادراک آنان از این مفهوم می‌پردازد. در خصوص پیشینه این مقاله می‌توان به چند اثر پژوهشی دست یافت. یکی از نزدیک‌ترین عناوین با موضوع این مقاله، پایان‌نامه «بررسی موانع ایجاد شده توسط عشایر برای تکوین دولت مدرن در دوره رضاشاه» (۱۳۹۳) از هرمز نیکوروان است که سرآغاز دولت مدرن در ایران را دوران رضاشاه می‌داند با این حال، موانعی را نیز در این خصوص عنوان کرده است که برای بهبود و ساخت دولت مدرن می‌تواند به کار آید؛ از نظر او موانعی مانند عدم شکلگیری توسعه سیاسی از دلایل عدم شکل‌گیری دولت مدرن تا به امروز بوده است. همچنین رساله دکتری «بررسی تحولات سیاسی-اجتماعی ایل بویراحمد در دوره پهلوی (۱۳۰۴-۱۳۴۲) از محمد مهدی روشن‌فکر (۱۳۹۴) نیز نگاهی به لرها با توجه به رویکرد جامعه‌شناسی داشته است و نقش قوم لر و خاصه ایل بویراحمد را بر تحولات سیاسی-اجتماعی در دوره مورد مطالعه خود پررنگ ارزیابی می‌کند. سیاست‌های قومی و اقوام ایرانی (مطالعه موردی قوم آذری، کرد و بلوچ) از هادی رحمانی‌ساعد و همکاران (۱۳۹۸) نیز از دیگر آثار نسبتاً مرتبط است که البته به قوم لر اشاره‌ای نداشته است ولیکن نوع سیاست بالا به پائینی و تقابلی حکومت‌های مورد مطالعه را مورد توجه قرار داده است. همچنین ابراهیم حاجیانی (۱۳۸۷) در مقاله «نسبت هویت ملی با هویت قومی در میان اقوام ایرانی» اشاره‌ای کوتاه در میانه‌ی پژوهش خود به قوم لر داشته است که تمرکز آن بیشتر بر هویت در اقوام ایرانی بوده است و اشاره‌ای کوتاه به قوم لر در این مورد داشته است. با مطالعه آثار نسبتاً مرتبط نمی‌توان به مطالعه

ای خاص قوم لر با توجه به دولت ملی و تاثیر و تاثر آنها نسبت به یکدیگر رسید بر همین اساس جنبه نوآوری این پژوهش، همانا رویکرد و تحلیل آن نسبت به آثار پیشین است.

## دولت ملی

اصطلاح "دولت ملی" به یک نظام حکومتی اشاره دارد که در آن یک کشور یا ملت توسط یک دولت مرکزی واحد اداره می‌شود (احمدنژاد تاگو و همکاران، ۱۴۰۰: ۹۷). ایده دولتی ملی با دولت-ملت ۱ اگرچه شباهت‌هایی دارد اما قدری متفاوت است؛ «دولت-ملت با ظهور نظام مدرن دولت‌ها که اغلب «حاکمیت وستفالی» نامیده می‌شود، و پس از معاهده وستفاليا (۱۶۴۸) معرفی شد و دولت‌های ملی در طول تاریخ به ویژه در قرن ۱۹ و ۲۰ میلادی به دلیل جنبش‌های ملی‌گرایی شکل گرفتند و اکنون بیشتر کشورهای جهان به عنوان دولت ملی شناخته می‌شوند» (باسچ و همکاران، ۲۰۲۰). از این جهت، می‌توان گفت که ساختار مدرن دولت ملی، وامدار دولت-ملت است اما اصطلاح "دولت ملی" به یک نظام حکومتی اشاره دارد که در آن یک کشور یا ملت توسط یک دولت مرکزی واحد اداره می‌شود. این دولت، دارای حاکمیت کامل بر قلمرو خود است و می‌تواند قوانین و مقررات را بدون دخالت خارجی وضع کند (دونان و همکاران، ۲۰۲۱: ۷۸). این نکته را باید در نظر داشت که شکلگیری دولت ملی در ایران و کشورهای اروپایی قدری متفاوت است. به طوری که با وجود برخی شباهت‌ها، فرآیند شکل‌گیری دولت ملی در ایران و اروپا به دلایل مختلف تاریخی، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی تفاوت‌های زیادی دارد. این تفاوت‌ها به ویژه در نحوه تعامل با تنوع قومی و فرهنگی، نحوه تمرکز قدرت و نقش ایدئولوژی‌ها به چشم می‌خورد. در بررسی مدل شکل‌گیری دولت ملی در ایران و کشورهای مشابه در مقایسه با اروپا، می‌توان به تفاوت‌های اساسی در نحوه برخورد با مسئله قومیت‌ها و تنوع فرهنگی پرداخت. ایران دارای تنوع قومی بالایی است که شامل فارس‌ها، ترک‌ها، کردها، بلوچ‌ها، عرب‌ها و دیگر گروه‌های قومی می‌شود. با این حال، تأکید بیشتری بر محوریت قوم فارس و زبان فارسی به عنوان زبان ملی و رسمی وجود دارد. هویت ملی ایران به شدت با فرهنگ و تاریخ فارسی و اسلامی گره خورده است. نمونه‌های دیگری نیز در جهان وجود دارند که شکل‌گیری دولت ملی در آنها متفاوت از اروپا بوده است. به عنوان نمونه، هویت ملی هند به عنوان یک ملت مبتنی بر تنوع فرهنگی و مذهبی تعریف شده است، اما با چالش‌های جدی در زمینه جداسازی‌های قومی و مذهبی مواجه است. افغانستان نیز دارای تنوع قومی بالایی است که شامل پشتون‌ها، تاجیک‌ها، هزاره‌ها و ازبک‌ها می‌شود. تلاش برای ایجاد هویت ملی واحد در افغانستان با چالش‌های جدی ناشی از تنوع قومی و جنگ‌های داخلی همراه بوده است. این در حالی است که در بسیاری از کشورهای اروپایی، مفهوم قومیت به اندازه کشورهای شرقی مطرح نیست. با این حال، کشورهایمانند اسپانیا، بلژیک و بریتانیا دارای تنوع قومی و زبانی هستند. براین اساس، مدل شکل‌گیری دولت ملی در ایران و کشورهای شرقی به طور کلی بیشتر بر محوریت قومیت‌ها و تأکید بر یک قوم یا زبان خاص استوار است، در حالی که در اروپا، هویت ملی بیشتر بر اصول شهروندی و دموکراسی تأکید دارد. این تفاوت‌ها نشان‌دهنده روش‌های مختلفی است که دولت‌ها برای ایجاد و حفظ هویت ملی و انسجام اجتماعی استفاده می‌کنند. به صورت خاص، در خاورمیانه کشورها بر اساس قرارداد سایکس-پیکو تشکیل شده‌اند (کیچلینگ، ۲۰۱۵؛ شاه‌قاسمی و پروسر، ۲۰۱۹؛ مازوکوتلی، ۲۰۱۶؛ پاتل، ۲۰۱۶) و این مسئله باعث شده که برخی قومیت‌ها

<sup>1</sup> Nation state

<sup>2</sup> Basch et al

<sup>3</sup> Donnan et al

<sup>4</sup> Mazzucotelli

در دو یا سه کشور قرار بگیرند (اوتاوی و اوتاوی، ۲۰۱۴؛ گانتر، ۲۰۲۰) و این مسئله خود منشا تنش‌های بسیاری بوده است و خواهد بود.

جمعیت دولت ملی معمولاً از یک قومیت، زبان، فرهنگ یا تاریخ مشترک تشکیل شده است، اگرچه در عمل بسیاری از دولت‌های ملی متنوع هستند. این نوع ساختار، دارای یک دولت مرکزی است که مسئولیت‌های اصلی مانند دفاع، سیاست خارجی، و سیاست‌های اقتصادی را بر عهده دارد. همچنین دولت ملی اغلب مفهومی از شهروندی و هویت ملی ایجاد می‌کند که به افراد احساس تعلق به یک جامعه بزرگتر را می‌دهد و این عنصر و مولفه اخیر، یکی از اصلی‌ترین تفاوت‌های دولت ملی با مفهوم دولت-ملت است. از این جهت، ویژگی‌های اصلی دولت ملی عبارتند از (والوان<sup>۱</sup>، ۲۰۲۱: ۴۵-۶۵):

- حاکمیت مستقل: دولت مرکزی قدرت تصمیم‌گیری و اجرای قوانین را بدون دخالت خارجی دارد.
- جمعیت مشترک: معمولاً جمعیت دولت ملی از نظر زبان، فرهنگ، قومیت یا تاریخ اشتراکاتی دارند، هرچند در عمل تنوع زیادی نیز ممکن است وجود داشته باشد.
- مرزهای مشخص: دولت ملی دارای مرزهای جغرافیایی دقیقی است که قلمرو آن را تعیین می‌کند.
- دولت مرکزی قوی: مسئولیت‌های کلیدی مانند دفاع از کشور، سیاست خارجی و مدیریت اقتصادی بر عهده دولت مرکزی است.
- هویت ملی: ایجاد یک حس تعلق و هویت مشترک بین شهروندان از وظایف دولت ملی است، به طوری که افراد به یک جامعه بزرگتر احساس وابستگی کنند.

به بیان ساده، دولت ملی، سیستمی است که در آن یک دولت مرکزی، کنترل کامل بر یک کشور و مردم آن دارد، با تأکید بر ایجاد و حفظ هویت و وحدت ملی. این سیستم شامل ویژگی‌هایی مثل حاکمیت مستقل، جمعیت مشترک، مرزهای مشخص و دولت مرکزی قوی است که مسئولیت‌های مهمی مانند دفاع، سیاست خارجی و مدیریت اقتصادی را بر عهده دارد. هدف اصلی دولت ملی ایجاد حس تعلق و هویت مشترک بین شهروندان است.

## چارچوب نظری

در ذیل به نظریه محرومیت نسبی به عنوان چارچوب نظری پرداخته می‌شود.

## نظریه محرومیت نسبی

نظریه محرومیت نسبی<sup>۲</sup>، یکی از نظریه‌های مهم در علوم اجتماعی و روانشناسی است که به بررسی احساس نارضایتی و نابرابری‌های اجتماعی می‌پردازد. نظریه محرومیت نسبی یکی از نظریه‌های مهم در علوم اجتماعی است که به بررسی نارضایتی‌ها و رفتارهای اعتراضی در جوامع می‌پردازد. این نظریه بیان می‌کند که احساس نابرابری و محرومیت در مقایسه با دیگران یا با توقعات و آرزوهای فردی، می‌تواند منجر به نارضایتی، ناآرامی و حتی خشونت شود. وقتی این نظریه در رابطه با قومیت‌ها مورد بررسی قرار

<sup>1</sup> Valluvan

<sup>2</sup> Relative Deprivation Theory

می‌گیرد، به چگونگی تأثیر احساس محرومیت نسبی در بین گروه‌های قومی بر رفتارهای سیاسی و اجتماعی می‌پردازد. این نظریه بیان می‌کند که افراد و گروه‌ها ناراضی خود را نه بر اساس وضعیت مطلق خود، بلکه بر اساس مقایسه وضعیت خود با دیگران ارزیابی می‌کنند. به عبارت دیگر، احساس محرومیت زمانی بوجود می‌آید که فرد یا گروهی خود را در مقایسه با دیگران که در شرایط مشابه هستند، کمتر برخوردار ببیند (دامبردن<sup>۱</sup>، ۲۰۱۳: ۳). این نظریه می‌تواند به درک بهتر علل ناراضی‌های اجتماعی، شورش‌ها، و اعتراضات کمک کند. برای مثال، اگر گروهی از مردم احساس کنند که نسبت به گروه‌های دیگر از منابع و فرصت‌های کمتری برخوردارند، حتی اگر وضعیت مطلق آن‌ها چندان بد نباشد، ممکن است احساس ناراضی و بی‌عدالتی کنند و به اعتراض یا تغییرات اجتماعی روی آورند. محرومیت نسبی همچنین ممکن است بر تجربه فردی ناراضی‌های زمانی که فرد از چیزی که شخص خود را مستحق آن می‌داند محروم می‌شود، تأکید کند، با این حال تأکید بر دیدگاه فرد، اندازه‌گیری عینی را مشکل‌ساز می‌کند. این اصطلاحی است که در علوم اجتماعی برای توصیف احساسات یا اقدامات محرومیت اقتصادی، سیاسی یا اجتماعی استفاده می‌شود که نسبی است تا مطلق. این اصطلاح با مفاهیم مشابه فقر و طرد اجتماعی پیوند ناگسستگی دارد (لوئیستون و همکاران<sup>۲</sup>، ۲۰۲۰: ۲۳۲). مفهوم محرومیت نسبی پیامدهای مهمی هم برای رفتار و هم برای نگرش دارد، از جمله احساس استرس، نگرش‌های سیاسی و مشارکت در کنش جمعی. مربوط به محققانی است که در زمینه‌های متعدد در علوم اجتماعی مطالعه می‌کنند. دانشمندان علوم اجتماعی، به‌ویژه دانشمندان علوم سیاسی و جامعه‌شناسان، محرومیت نسبی، را عامل بالقوه جنبش‌ها و انحرافات اجتماعی ذکر کرده‌اند که در شرایط شدید منجر به خشونت‌های سیاسی مانند شورش، تروریسم، جنگ‌های داخلی و سایر موارد انحراف اجتماعی می‌شود. به عنوان مثال، برخی از محققان جنبش‌های اجتماعی ظهور آنها را با استناد به ناراضی‌های افرادی که احساس می‌کنند از آنچه به عنوان ارزش‌هایی که به آنها تعلق می‌گیرد محروم هستند، توضیح می‌دهند. به همین ترتیب، افراد زمانی دست به رفتارهای انحرافی می‌زنند که امکاناتشان با اهدافشان مطابقت نداشته باشد (واکر<sup>۳</sup>، ۲۰۰۱: ۲۲).

ذکر این نکته لازم است که محرومیت نسبی ممکن است موقتی باشد. یعنی افرادی که افزایش حقوق یا ثروت و به دنبال آن رکود یا معکوس شدن آن دستاوردها را تجربه می‌کنند، می‌تواند آن را تجربه کند. چنین پدیده‌هایی به عنوان انتظارات فزاینده برآورده نشده نیز شناخته می‌شوند. برخی از دانشمندان، به عنوان مثال جان کنت گالبریت، استدلال کرده‌اند که تفاوت‌های نسبی در ثروت اقتصادی مهم‌تر از محرومیت مطلق است، و در تعیین کیفیت زندگی انسان مهم‌تر است (کندال<sup>۴</sup>، ۲۰۰۵: ۴). این بحث پیامدهای مهمی برای سیاست اجتماعی دارد، به ویژه در مورد اینکه آیا می‌توان فقر را صرفاً با افزایش کل ثروت از بین برد یا اینکه اقدامات برابری طلبانه نیز مورد نیاز است؛ مسئله‌ای در اکثر اقوام ایرانی می‌توان دید؛ یعنی اکثر اقوام ایرانی در مناطق خود به نوعی با مسئله فقر، مواجه هستند. چه اینکه یک شکل خاص از محرومیت نسبی، فقر نسبی است. معیاری از فقر نسبی، فقر را به عنوان زیر خط فقر نسبی تعریف می‌کند، مانند خانوارهایی که کمتر از ۲۰ درصد درآمد متوسط درآمد دارند.

همانطور که در مباحث فوق نیز اشاره شد؛ محرومیت نسبی یک هم‌تا دارد: محرومیت مطلق. هر دوی اینها معیارهای فقر در یک کشور معین هستند. محرومیت مطلق شرایطی را توصیف می‌کند که در آن درآمد خانوار به زیر سطح مورد نیاز برای حفظ نیازهای اولیه زندگی مانند غذا و سرپناه می‌رسد. در همین حال، محرومیت نسبی سطحی از فقر را توصیف می‌کند که در آن درآمد خانوار تا درصد معینی کمتر از متوسط درآمد کشور کاهش می‌یابد. برای مثال، سطح فقر نسبی یک کشور را می‌توان ۵۰ درصد از درآمد

<sup>1</sup> Dambrun

<sup>2</sup> Leviston et al.

<sup>3</sup> Walker

<sup>4</sup> Kendall

متوسط آن کشور تعیین کرد. فقر مطلق می‌تواند بقای فرد را تهدید کند، در حالی که فقر نسبی ممکن است توانایی فرد را برای مشارکت کامل در جامعه محدود کند. در سال ۲۰۱۵، گروه بانک جهانی بر اساس نرخ برابری قدرت خرید (PPP) سطح فقر مطلق جهانی را ۱.۹۰ دلار در روز برای هر نفر تعیین کرد (شروئرس و همکاران<sup>۱</sup>، ۲۰۲۱: ۱۰۵۵). به طور کلی عناصر کلیدی نظریه محرومیت نسبی را اینگونه برشمرد:

- مقایسه اجتماعی: افراد وضعیت خود را با دیگران مقایسه می‌کنند.
  - انتظارات: افراد بر اساس مقایسه‌ها و تجربه‌های گذشته، انتظاراتی از شرایط خود دارند.
  - نابرابری: هنگامی که تفاوت قابل توجهی بین انتظارات و واقعیت وجود دارد، احساس محرومیت نسبی بوجود می‌آید.
  - نارضایتی: این احساس محرومیت نسبی می‌تواند به نارضایتی و در نهایت به اقداماتی مانند اعتراض و شورش منجر شود.
- این نظریه نشان می‌دهد که نارضایتی و احساس بی‌عدالتی همواره بر اساس شرایط عینی و مطلق نیست، بلکه به شدت تحت تأثیر مقایسه‌ها و انتظارات نسبی افراد و گروه‌ها قرار دارد. با توجه به ماهیت محرومیت نسبی، می‌توان با مطالعه آثاری که مرتبط با قومیت و هویت ملی هستند به مخرجه مشترک رسید که در بسیاری از این آثار بحث محرومیت نسبی و قومیت در کنار یکدیگر بکار رفته‌اند؛ مسئله‌ای که می‌توان رگه‌هایی از آن را در تشکیل دولت ملی در ایران و نگرش آن نسبت به قوم لر نیز مشاهده کرد.

## خاستگاه دولت ملی در ایران

در ذیل سعی شده است تا خاستگاه دولت ملی در قالب چند دوره از قاجار تا جمهوری اسلامی مورد تفکیک و تحلیل قرار گیرد.

### دوره قاجار

پیدایش دولت مدرن یکی از مهمترین تحولات ایران معاصر در قرن بیستم بوده است. اگرچه پدیده دولت در ایران پدیده‌ای باستانی است (شکری و همکاران، ۱۴۰۱: ۱۳۴-۱۳۹) و برخی از پژوهشگران ایرانی معتقدند اولین دولت متمرکز جهان به معنای دقیق آن در دوره هخامنشیان در ایران پدید آمد، اما دولت مدرن به معنای علوم اجتماعی مدرن، به خصوص که در آثار ماکس وبر آمده است که پس از کودتای ۱۲۹۹ شمسی در ایران ایجاد شد. یعنی حکومتی متمرکز که استفاده مشروع از قدرت دولتی را محفوظ و منحصر به خود کرده بود. در واقع، با روی کار آمدن رضا شاه پهلوی، تلاش‌های جدی برای ایجاد یک دولت ملی مدرن و متمرکز آغاز شد. اصلاحات اداری، نظامی و اجتماعی گسترده‌ای انجام شد که منجر به تقویت قدرت دولت مرکزی و شکل‌گیری نهادهای دولتی مدرن گردید (بیرمان<sup>۲</sup>، ۲۰۰۷: ۱۲). با این حال، پیشینه آن را می‌توان از مشروطیت و زمان قاجار دانست. قاجاریه با تکیه بر ساختار ایلیاتی و فئودالی، حکومتی غیرمتمرکز را شکل داد. با این حال، ضعف حکومت مرکزی و عدم توانایی در کنترل کامل مناطق مختلف کشور، منجر به نارضایتی و شورش‌های محلی شد. قاجاریه در دوران حکومت خود با قدرت‌های استعماری مانند بریتانیا و روسیه تزاری درگیر بود. این تعاملات منجر به امضای قراردادهایی نظیر قرارداد گلستان و ترکمانچای شد که بخش‌هایی از قلمرو ایران را از دست داد. میرزا تقی خان امیرکبیر، صدراعظم ناصرالدین شاه، تلاش‌هایی برای مدرن‌سازی و تمرکزگرایی دولت انجام داد. تأسیس دارالفنون و اصلاحات اداری از جمله این اقدامات بود. در این گذار، انقلاب مشروطه در سال ۱۲۸۵ نقطه عطفی در تاریخ ایران بود.

<sup>1</sup> Schreurs et al

<sup>2</sup> Bearman

تصویب قانون اساسی و تأسیس مجلس شورای ملی، اولین گام‌ها در جهت تشکیل دولت ملی و حکومت قانون‌مدار در ایران بودند. با افزایش قدرت مجلس و تصویب قوانین جدید، نقش شاه قاجار تضعیف شد. این دوران شاهد تلاش‌های بیشتر برای ایجاد یک دولت ملی و مرکزی بود. بنا به اسناد و شواهد محلی ایل بویراحمدها در سال‌های همزمان با ابتدایی سلسله قاجاریه در ایران حضور فعال سیاسی داشته و ماناگزیر باید به قدرت گرفتن قاجار و سقوط زندیه تمرکز کنیم، کنش سیاسی ایل بویراحمدها پاسخی به حذف سیاسی و قطع شدن دست لرها و قشقایی‌هایی طرفدار زندیه در دوران قاجار بوده که آنها با اتحادی در کوهستان‌های سرسخت اطراف پایتخت آن روزگار یعنی شیراز سعی بر نابودی قاجارها داشتند، به عبارتی دیگر بویراحمدها حداقل از منظر کنش سیاسی واکنشی به حذف لرها توسط ترکمن‌های قاجار در ابتدای این سلسله بوده است، حضور فعالانه بویراحمدها همراه با بختیاری‌ها در فتح تهران توسط لرها علل گوناگونی دارد ولی یکی از عوامل مهم آن حذف لرها از مناسب و سعی بر کاهش قدرت آنها داشت که لرها فعالانه در مشروطه بر حاکمیت و قدرت خود در نیانیه انجمن‌های ایلاتی و ولایتی دفاع کرده اند.

## دوره پهلوی

با روی کار آمدن رضا شاه پهلوی، روند مدرن‌سازی و تمرکزگرایی دولت با شدت بیشتری دنبال شد. تأسیس ارتش منظم، اصلاحات اداری، توسعه زیرساخت‌ها و صنعتی‌سازی کشور از جمله این اقدامات بودند. رضا شاه تلاش کرد تا با تغییرات فرهنگی و اجتماعی، هویت ملی ایران را تقویت کند. کشف حجاب، اصلاحات آموزشی و تغییر لباس از جمله این اصلاحات بودند. واقعیت این است که پانزده سال پس از ایجاد انقلاب مشروطیت همزمان با سال‌های ۱۲۸۲ تا ۱۳۰۰ خورشیدی، دستاوردهای اساسی و الزامات قانون اساسی که شامل قانون اساسی، حاکمیت قانون، تأسیس مجلس، آزادی، تهدید به محدود کردن قدرت و اختیارات پادشاه بود، چهارچوب قانون، تفکیک قوای حکومتی و عوامل دیگر همه توسط رضاخان به کلی نادیده گرفته شد (تقی‌زاده، ۱۳۹۱: ۷۷). تحقق اهداف رضاخان بسیار دشوار بود. بر این اساس اولین اولویت او مخالفت با تقسیمات اجتماعی بود که خود را در قالب جنبش‌های تفرقه‌ای سرکش و نافرمان و قدرت قبیله‌ای تجسم می‌دادند. در واقع از نظر او قبیله‌گرایی و قدرت قبیله‌ای مانع اصلی ایجاد یک حکومت مدرن و مرکزی بود و نیاز به دولت ملی را احساس می‌کرد. این اصلاحات، قاعدتاً تنش‌های قومی را دامن می‌زد که لرها نیز در این تنش‌ها قرار داشتند. به طوری که «اقوام ایرانی، هر کدام قائل به برتری قوم خود بر دیگری بودند و نمی‌توانستند اولویت زبان و فرهنگ فارسی را بر زبان و فرهنگ خود برتنبندند. از طرف دیگر برخورد رضا شاه با اقلیت‌های قومی ایران اعم از عرب، بلوچ، کرد، و ترک زبان همواره خصمانه بود. این موضع انعکاسی از بدبینی او نسبت به کثرت‌گرایی قومی و فرهنگی و همچنین ترس او از مخالفت‌ها و جنبش‌های جدایی طلب احتمالی بود که وحدت کشور را تهدید می‌کرد. از این رو، چنین گروه‌هایی برای قرار گرفتن در جریان اصلی جامعه ایران تحت فشارهای زیادی قرار گرفتند و این فشارها با هجوم منظم به هویت فرهنگی آنها همراه بود» (تاریخ کمبریج، ۱۳۷۲: ۲۷). رضا شاه و پس از او محمدرضا شاه پهلوی تلاش کردند تا ایران را مدرن کنند و به سمت غرب‌گرایی حرکت دهند. این تلاش‌ها شامل توسعه زیرساخت‌ها، سیستم آموزشی، بهداشت و صنعت بود که همگی در تقویت دولت ملی نقش داشتند. این نکته را باید مد نظر داشت که تا پیش از استقرار رژیم پهلوی تصمیمات اساسی در درون جوامع محلی گرفته می‌شد. به عنوان مثال، بختیاری‌ها توسط یک خاندان محلی اداره می‌شدند که خراج خاصی به دولت مرکزی می‌پرداختند، در حالی که امور داخلی به عهده اعضای آن سلسله بود.

ایران دارای تاریخچه‌ای طولانی از حکمرانی‌های مختلف است که هر یک به نوعی تأثیرگذار بر فرهنگ و سیاست‌های قومیتی بوده‌اند. امپراتوری‌های باستانی مانند هخامنشیان، ساسانیان، و بعد از آن صفویان و قاجاریان، هر یک با سیاست‌های خاص خود در



رابطه با اقوام مختلف در ایران، بستر شکل‌گیری حکمرانی‌های قومیتی را فراهم کرده‌اند. ایران یکی از کشورهای چند قومیتی با تنوع فرهنگی بالا است. قومیت‌هایی مانند فارس‌ها، آذری‌ها، کردها، بلوچ‌ها، عرب‌ها، ترکمن‌ها و لرها در این کشور زندگی می‌کنند. این تنوع قومیتی منجر به وجود اختلافات و تفاوت‌های فرهنگی و زبانی شده است که نقش مهمی در شکل‌گیری حکمرانی‌های محلی و قومیتی ایفا کرده‌اند. سیاست‌های دولتی در قبایل اقوام و زبان‌های مختلف نیز در شکل‌گیری حکمرانی‌های قومیتی نقش داشته‌اند. به‌عنوان مثال، در دوران پهلوی تلاش‌هایی برای همگون‌سازی فرهنگی و زبانی صورت گرفت که واکنش‌های مختلفی از سوی اقوام مختلف در پی داشت. در لرستان، هر گروه قبیله‌ای به عنوان یک واحد نیمه مستقل عمل می‌کرد. در پشتکوه، ولیان برتر بودند و قبایل کوه گیلو بویراحمد و ممسنی نیز از همین آزادی داخلی برخوردار بودند. رژیم پهلوی اما مقامات بلندپایه ای را از تهران برای نظارت بر مناطق لر فرستاد. این رویکرد جدید، شروع تاثیر و تاجر و البته نافرمانی قوم لر از حکومت وقت بود. در حقیقت، اعزام مقامات بلندپایه از تهران و کاهش خودمختاری محلی، باعث نارضایتی قوم لر و در نهایت نافرمانی آنان از حکومت وقت شد. این نافرمانی نشانه‌ای از عدم پذیرش سیاست‌های متمرکز دولت مرکزی و تلاش برای حفظ هویت و استقلال محلی بود؛ یکی از نشانه‌ها و نمادهای این نافرمانی را می‌توان در جنگ تنگ تامرادی و مقابله قوم لر با دولت مرکزی بود.

### جنگ تنگ تامرادی و کشاکش بویراحمدی‌ها با دولت ملی

جنگ تنگ (دره) تامرادی درگیری بین عشایر لر بویراحمدی و ارتش شاهنشاهی ایران بود که در سال ۱۳۰۹ شکل گرفت. این تنش بین سران لر بویراحمدی (کی‌لهراسب باطولی، شکرالله خان بویراحمدی و سرتیپ خان بویراحمدی) و دولت مرکزی (به فرماندهی امیر لشکر حبیب‌الله شبیانی) رخ داد (زکی پور، ۱۴۰۱: ۶۵). در خصوص پیشینه این جنگ می‌توان گفت که هنگامی که انگلیسی‌ها به جنوب ایران حمله کردند، بویراحمدی‌ها منافع آنها را به خطر انداختند و عرصه را به قدری بر آنها تنگ کردند که در ۱۵ دسامبر ۱۹۰۹، کنسول انگلیس در شیراز ناگزیر شد رسماً از بویار احمدی‌ها به سفیر آنها در تهران، «سر جورج بارکلی» شکایت کند و سفیر نیز متن شکایت را به لندن می‌رساند. در بخشی از شکایت کنسول انگلیس از بویرا احمدی آمده است: «اشرار بویراحمدی بیش از یک ماه است که در نقاط مختلف بین «دشت ارژن» که ده فرسنگ زیرشیراز است و «گلدارچین» که در مجاورت اصفهان است مشغول عملیات عمده‌ای هستند و... بی‌نهایت مشکل خواهد بود که یک طایفه کوه نشین به این رشادت و فعالیت را بتوان در تنگنا انداخت و... به عقیده من (ایل) طایفه‌ای که باید اختصاصاً مورد تنبیه واقع شوند همانا طایفه بویراحمدی است و... طایفه بویراحمدی می‌تواند ۱۰ هزار نفر تهیه کند که عده کمی از آنها سواره‌اند، چهار قلعه محکم دارند که بدون توپ، گرفتن آنها ممکن نیست» (نقیب زاده، ۱۳۸۵: ۱۲). در جنگ تامرادی جنگی در گرفت و ۶ روز طول کشید. درگیری با رویارویی نیروهای دولتی با نیروهای جلیل، بابکان و کی‌لهراسب آغاز شد. در این جنگ، در ابتدا، خوانین بویرا احمدی پیروز شدند با این حال، در نهایت، دولت ملی بر قوم لر چیره شد. در این زمان، خوانین بویراحمد تسلیم مقامات شدند و به همراه خانواده‌هایشان مانند سایر استان‌های جنوبی-در تهران نگهداری شدند. در سال ۱۳۱۳ کلانتری‌های ایل بویراحمد و ممسنی- و عده ای از بختیاری‌ها- اعدام شدند و فرزندان‌شان تا پایان سال ۱۳۲۰ موفق به ترک تهران نشدند و در منطقه مردم عادی دچار انواع آزار و اذیت شدند که نشانگر نوع نگرش رضاخان برای یکدست‌سازی و محو استقلال اقوام در مقابل دولت ملی بود. در این دوره، همزمان با توسعه سریع آموزش ملی، مسئولان کوشیدند تا غیرفارس‌ها (از جمله قشقایی‌ها) را به فارس تبدیل کنند و آنها را در جامعه نوسازی ایران ادغام کنند و وفاداری به دولت ملت محور ایران را جایگزین وفاداری به قوم و قبیله کنند.

جنگ تنگ تامرادی و تقابل دولت مرکزی رضاشاه با قوم لر و بویراحمدی‌ها، نمایانگر تلاش‌های دولت ملی برای سرکوب اقوام و رسیدن به وحدت ملی است. رضاشاه، که به یکدست‌سازی عشایر و اقوام زیر یک دولت ملی تمایل داشت، سیاست‌های نظامی را در قبال عشایر ادامه داد. پس از شکست طوایف بزرگ، رضاشاه با گسترش پست‌های نظامی در مناطق آنها، خلع سلاح رزمندگان عشایر، به خدمت گرفتن جوانان، دامن زدن به اختلافات داخلی، مصادره اراضی، تضعیف سران عشایر، و محدود کردن کوچ سالیانه و گاه اجباری به تضعیف آنان پرداخت. این اقدامات، که هدفشان تضعیف ساختارهای قدرت محلی و ایجاد یک دولت مرکزی قوی بود، نشان‌دهنده رویکرد رضاشاه به یکسان‌سازی ملی و تقویت قدرت دولت مرکزی در برابر اقوام مختلف بود.

### جمهوری اسلامی

جنگ ایران و عراق نقش مهمی در تقویت احساسات ملی‌گرایانه و همبستگی ملی داشت. در طی این جنگ، دولت جمهوری اسلامی تلاش کرد تا از طریق بسیج عمومی و حمایت از نیروهای مردمی، دولت ملی را تقویت کند. پس از جنگ، دولت جمهوری اسلامی تلاش کرد تا با انجام اصلاحات اقتصادی و سیاسی، دولت ملی را تقویت کند. این اصلاحات شامل توسعه زیرساخت‌ها، بهبود سیستم آموزشی و بهداشت و تلاش برای افزایش مشارکت مردمی در امور سیاسی بود. جمهوری اسلامی با اتخاذ سیاست‌های مستقل در عرصه بین‌المللی و تلاش برای ایجاد روابط دوستانه با کشورهای همسایه و دیگر کشورهای جهان، به تقویت دولت ملی پرداخته است. با توجه به ادوار فوق که مورد اشاره قرار گرفتند؛ خاستگاه دولت ملی در ایران از دوران قاجاریه تا جمهوری اسلامی، با تحولات زیادی همراه بوده است که هر یک به نحوی در تقویت و شکل‌گیری دولت ملی نقش داشته‌اند. این تحولات شامل اصلاحات داخلی، مبارزه با نفوذ خارجی، مدرن‌سازی کشور و تلاش برای ایجاد همبستگی ملی بوده است. بویراحمدی‌ها بعد از انقلاب روایتی متفاوت دارد، که از این رو می‌توان آن را به دو بخش زمینه‌های ارتباط دولت و حاکمیت در قبل و بعد از انقلاب تقسیم کرد:

۱. قبل از انقلاب اسلامی: فهم بویراحمدی قبل از انقلاب برای رخدادهای بعد از انقلاب بسیار مهم است؛ قبل از انقلاب اسلامی بویراحمدی که تنها منطقه‌ای بود که رضا خان نتوانسته بود به آن نفوذ کند و ناچار سعی بر تعامل با برخی خوانین پرداخته بود در دوران بعد از به قدرت رسیدن محمدرضا شاه و بنا به اینکه عشایر بویراحمدی بر چهار راه نفتی تمدنی ارتباطی (بین خوزستان، شیراز، اصفهان و یزد) ایران سلطه داشتند حکومت پهلوی دوم را برآن داشت که با انجام اقداماتی سعی بر کاهش قدرت خوانین را داشته باشد. که این اقدامات باعث واکنش مردم بویراحمدی شد به شرح زیر است:

۱. سرکوب نرم جهت تاکتیک کوتاه مدت: غائله جنوب و تصرف کازرون توسط اتحاد ممسنی‌ها، بویراحمدی‌ها و قشقایی‌ها صورت گرفته شد؛ بعد از فتح کازرون در سال ۱۳۲۵ شمسی خوانین ممسنی، بویراحمدی و قشقایی‌ها جهت دیدار با محمدرضاشاه به تهران دعوت شدند؛ جذبه شاه برای دیدار با بویراحمدی‌ها بیشتر و سعی شد در این جلسه امتیازات خاصی به آنها داده شود تا بتوانند در زمان مناسب قدرت را از خوانین بگیرد<sup>۱</sup> هر چند قوام که خود لر استان فارس بود سعی داشتن ارتباط دست برتر را در استان فارس<sup>۲</sup> داشته باشد و با ممسنی ارتباط بهتری داشت. در این جلسه امتیازات شاه در حد وعده باقی ماند و این عاملی شد که مردم خوانین از دست دروغ‌ها نهاد سلطنت به سمت نهاد دین و روحانیت در قم و نجف بروند، و این امروز زمینه‌ساز اتفاقات بعدی شد.

<sup>۱</sup> مانند قول ساخت مدارس زیر ساخت آب و بهداشت و برخی صنایع چون کارخانه قند (درسال ۴۴ ساخته شد) که هر کسی سلاح بدهد و زمین و بیل تحویل بگیر که بعد ها بویراحمدی‌ها به مورد اعتراض و جنگ گجستان و بمباران هواپیماهای شاهنشاهی بر سر مردم اصلی ایران را به همراه داشت

<sup>۲</sup> شامل بوشهر فارس کهگیلویه و بویراحمد کنونی

۲. بعد از عدم تحقق وعده‌ها شاه و اصرار شاه به اصلاحات ارضی که هدفش کم کردن قدرت روحانیت و خوانین در عشایر به ویژه استان فارس بود، سه روحانی و عبدالله خان بویراحمادی نقش مهمی در جلسات خوانین و کدخداهای بویراحمادی جهت قیام بر ضد دولت مرکزی اقدام میکردند.

۳. بعد از سرکوب و خلع سلاح عشایر در سال ۱۳۴۳ سعی شد با تعامل بیشتر و قدرت از بالا به پایین به برخی اقدامات جهت جلوگیری از مخالفت با حکومت پردازند از جمله: ۱. مستقر کردن پاسگاه در مناطق مختلف بویراحمادی ۲. توانبخشی و انتصاب به خوانین وابسته به دولت مرکزی و شاه ۳. توسعه برخی کارخانه جات در بویراحمادی ۴. مشغول کردن و اعزام جوانان به شهرهای بوشهر آبادان ۵. گسترش مدارس عشایری ۶. تاسیس دانشسراهای عشایری برای عشایر به ویژه بویراحمادی‌ها در شیراز و پذیرش جوانان مشتاق برای ادامه تحصیل و...

۲. بعد از انقلاب اسلامی نقش عشایر بویراحمادی به دو دسته کلی می‌توان تقسیم کرد:

۱. نقش فعال در تثبیت انقلاب و دفاع مقدس: بعد از پیروزی انقلاب بنا به ظلم‌ها و جنگ‌های متعددی که مردم بویراحمادی با نظام پهلوی داشتند از انقلاب استقبال کرد و در ابتدای انقلاب امام خمینی ره شهید عبدالله میثمی<sup>۲</sup> رای برای ساماندهی عشایر و تاسیس سپاه به یاسوج فرستاد، از این رو عشایر بویراحمادی ابتدا در جبهه کردستان و سپس به جبهه جنوب اعزام شدند؛ در سال ۱۳۶۵ به علت عملکرد فوق العاده آنها در خط شکنی و تثبیت موقعیت فرماندهی کل سپاه دستور داد تا تیپ ۴۸ فتح تاسیس شود.

۲. بعد از جنگ تا دوران اصلاحات: بویراحمادی‌ها سعی کرد هویت و شرایط جدیدی به خود بگیرد همه دستگاه‌ها و به ویژه جهاد سازندگی سعی بر توسعه راه، صنایع، توسعه زیر ساخت شهری و روستای، مزارع باغات و اقتصاد استان ک و ب دادند. در این دوران تحولات اجتماعی بسیاری رخ داد از جمله آنکه ایل بویراحمادی سعی کرد از وابسته به ساختار طایفه‌ای و ایلاتی خود فاصله بگیرد و به سمت سیاست‌های سرمایه داری و توسعه برود هر چند که این سیاست‌ها سال‌ها بعد در دوران دولت بهار بیشتر خود را آشکار کرد اما زمینه‌ها آن در دوران سازندگی گذاشته شد.

بویراحمادی در دوران سازندگی یک خلع بزرگ در بویراحمادی منظر هویتی احساس شد که چه کسی می‌خواهد جای خان، ریش سفید، کد خدا، را بگیرد؟ پدران مادران کشاورز و دامدار توسط توسعه سرمایه داری دولت و به واسطه ای فارغ التحصیل شدگان تحقیر شدند و قشربندی اجتماعی در این دوره کاملاً دچار تحول شد، و در این دوران مثالی در بویراحمادی بر سر زبانها آمد: «دوران، دوران قلم نه تفنگ».

این خلع از سوی دیگری در رابطه با دید دولت مرکزی نسبت به مردم بویراحمادی آشکار شده بود و مسئله عدم اعتماد به توسعه منابع انسانی بویراحمادی هم بود، جو آن سالها به علت آنکه مدیران ارشد استان اکثریت غیر بومی بودند جبر فرهنگی را بر آن داشت عموم مردم تلاش خود را مبتنی بر توسعه منابع انسانی خود بگذارد در همین راستان و در راستای تلاش‌های سیاسیون بر آن شد اکثریت مدیران را بومی و سعی بر جوانگرایی نیز کند.<sup>۳</sup>

<sup>۱</sup> آیت الله سید کرامت ملک حسینی، حجت اسلام علی اصغر حسینی (که مجروح شد در جنگ گجستان) روحانی معروف به شیخ عباس اصفهانی (مرقد ایشان در قبرستانی در دو راهی دشت روم می باشد)

<sup>۲</sup> نماینده امام خمینی ره در سپاه پاسداران انقلاب اسلامی

<sup>۳</sup> در این راستا خداداد غریبپور از جهاد کشاورزی در سال ۱۳۷۶ در سن ۲۶ سالگی فرماندار بویراحمادی شد.

بعد از آن نیز توسعه مراکز علمی از جمله دانشگاه یاسوج، تاسیس دانشگاه آزاد اسلامی عاملی مهم در تغییر فرهنگ و تعاملات دولت و ایل بویراحمد بوده است، این مراکز علمی با استقبال چشمگیری رو به رو شد و نقشش مهمی در فعالیتهای دهه ۸۰ و ۹۰ بویراحمد داشت. هر چند امروز ایل بویراحمد از منظر ساختار عشایری منسجم نیست اما در فعالیتهای سیاسی اجتماعی و اقتصادی دارای چهاچوب‌های و تیم‌های حمایتی می‌باشند، در این راستا در دولت چهاردهم بویراحمد امید دارد بتوانند بعد از چنین سال حضور ایلاتی‌های خود در ساختار مدیران ارشد چند وزارت خانه را مدیران این ایل اداره کنند و این نشان از فهم ایجاد شده تعامل دولت مرکزی با ایل بویراحمد بعد از انقلاب است. قطعاً دهه اول قرن جدید و بعد بیشتر از آنکه دهه کرمانی‌ها، شمالی‌ها و دیگر مناطق ایران باشد از منظر قوم‌شناسی سیاسی نقش لره‌های به ویژه بویراحمدی‌ها بیشتر است.

### مسئله محرومیت نسبی قوم لر در ایران

در قالب نظریه محرومیت نسبی اگر بخواهیم قوم لر را در مقابل دولت ملی تحلیل می‌کنیم به این منطق می‌رسیم که فشار جامعه ای که مردم به آن تعلق دارند آنها را تشویق به مشارکت یا نفی آن می‌کند. اینجاست که شخص، شروع به مقایسه دائم موقعیت خود با موقعیت دیگری می‌کند. از تعریف فوق از محرومیت نسبی دو اصطلاح مشابه به دست می‌آید: فقر<sup>۱</sup> و طرد اجتماعی<sup>۲</sup>. این اصطلاح در علوم اجتماعی برای بیان احساسات یا اشکال محرومیت اقتصادی، اجتماعی یا سیاسی به کار می‌رود. از این جهت، محرومیت نسبی اغلب به عنوان دلیل پیدایش جنبش‌های اجتماعی ذکر می‌شود که در موارد شدید منجر به سیاست مانند تروریسم، شورش، جنگ‌های داخلی و سایر موارد انحراف اجتماعی می‌شود. نقطه مقابل محرومیت نسبی، رضایت نسبی است.

### پهلوی

در دوران رضا شاه پهلوی، سیاست‌های تمرکزگرایانه و مدرن‌سازی باعث شد تا دولت مرکزی تلاش زیادی برای کنترل مناطق مختلف کشور از جمله مناطق لرنشین انجام دهد. رضا شاه به دنبال کاهش نفوذ ایلات و قبایل، از جمله لرها بود و تلاش کرد تا ساختارهای اداری و نظامی مدرن را جایگزین ساختارهای سنتی کند. دولت رضاشاه اولین حکومتی بود که با حذف پراکندگی قدرت‌های محلی بر منابع پراکنده قدرت تمرکز کرد. تداوم شکاف‌های قومی به دلیل منابع کمیاب، محرومیت نسبی، بی‌توجهی به توانمندی‌های بومی، پراکندگی و از خود بیگانگی اقوام، قومیت لرها را همچنان در محرومیت قرار داده است (کیانی ده کیان و همکاران، ۱۴۰۰: ۲۲۱) که می‌توان مدعی شد از بنیان دولت مدرن در ایران در زمان رضا شاه تا کنون به نوعی ادامه داشته است و محرومیت نسبی بخشی از فرهنگ سیاسی و اجتماعی لرها، در طوایف گوناگون خاصه بویراحمدی‌ها شده است.

واقعیت این است که ایران آن‌طور که برخی محققین مدعی هستند همیشه عاری از بحران‌های قومی نبوده است و انکار آن نادیده گرفتن واقعیت‌ها و مشکلاتی است که باید با نهایت تلاش حل شود (الطائی، ۱۳۹۶: ۵۳). از سوی دیگر، بر خلاف نظر برخی دیگر از پژوهشگران علوم سیاسی- اجتماعی، اقوام در ایران به گونه‌ای نیستند که بتوان ایران را کشوری فاقد هویت و انسجام اجتماعی، فرهنگی و سیاسی دانست. هر دوی این آراء گاه به دلیل غفلت، برخی از حقایق و حقایق تاریخی ایران را انکار کرده‌اند. با وجود تلاش‌های رضا شاه برای مدرن‌سازی، مناطق لرنشین در بسیاری از موارد با مشکلات اقتصادی و کمبود امکانات مواجه بودند. این وضعیت باعث نارضایتی و اعتراضاتی در میان لرها شد.

<sup>1</sup> Poverty

<sup>2</sup> Social exclusion

در ایران وجود و قدمت و سابقه نوعی زندگی ایلی و قبیله‌ای و هجوم اقوام انیرانی<sup>۱</sup> از قدیم‌الایام که هر یک به نحوی با این شیوه زندگی در ارتباط بوده‌اند، قدمت و تفاوت قومیت و قوم‌گرایی را ناممکن ساخته است. چرا که صحنه سیاسی تاریخ ایران از یک سو مملو از جبهه‌های ایلی و عشایری است که دارای ویژگی‌های مشترک نژادی، گروهی، فرهنگی و معیشتی هستند و از سوی دیگر با نوعی زندگی ایلی و قبیله‌ای مواجه بوده‌ایم که در آن وجود داشته است. هیچ ارتباطی در خارج از آن وجود ندارد هیچ ویژگی و اشتراک قومیتی وجود ندارد و بسیاری از اقوام و قبیله‌ها در واقع در ایران در قالب یک کل بزرگتر و یک واحد بزرگ به نام ایل تعریف شده‌اند. با این حال، از زمان بنیان دولت مدرن در دوره رضاشاه و حتی قبل از آن شاهد تقابل و نزاع بین اقوام مختلف جهت داشتن قدرت مرکزی بوده‌ایم. لرها نیز یکی از این اقوام بوده‌اند که تلاش کرده‌اند تا به نوعی در مقابل تشتت و تنوع اقوام در ایران، قوم خود را مرجع سازند. این موضوع صحنه سیاسی کشور را به میدانی برای اقوام و جولان قدرت‌ها در مقابل دولت ملی تبدیل کرده است که هر یک با تکیه بر قدرت اقوام و ایلات و نظام قبیله‌ای خود در دوره‌های بحران سیاسی کوشیده‌اند. البته این تنش‌ها فقط مختص قوم لر نبود و در بین دیگر اقوام مانند اعراب و کردها نیز با دولت مرکزی وجود داشت.

در دوران محمدرضا شاه پهلوی، برنامه‌های اصلاحات ارضی به اجرا درآمد که بر روی زمین‌های کشاورزی و ساختارهای سنتی تأثیر گذاشت. این اصلاحات موجب تغییرات زیادی در ساختار اقتصادی و اجتماعی مناطق لرنشین شد و برخی از اوقات باعث نارضایتی و اعتراضات محلی گردید. در این دوره، تلاش‌هایی برای توسعه زیرساخت‌ها، از جمله راه‌های ارتباطی و امکانات آموزشی در مناطق لرنشین صورت گرفت. این اقدامات به نوعی به تقویت پیوند مناطق لرنشین با مرکز کشور کمک کرد. با این حال، محرومیت قوم لر از امتیازاتی که در تهران وجود داشت نوعی بدبینی را نسبت به حاکمیت وقت ایجاد کرد که بعدها در قالب انقلاب اسلامی و همیاری قوم لر در این انقلاب خود را نشان داد.

## جمهوری اسلامی

در دوران پهلوی دوم، تقابل بین دولت ملی و قوم لر با شدت کمتری ادامه یافت. اما با وقوع انقلاب اسلامی و مشارکت فعال قوم لر و عشایر بویراحمدی در جریان انقلاب، نوعی تساهل و همکاری شکل گرفت. با این حال، هنوز نیاز به توجه و رفع برخی از نیازهای قوم لر از سوی دولت ملی در مناطق لرنشین وجود دارد تا این همکاری‌ها به طور پایدار ادامه یابد.

با وقوع انقلاب اسلامی، روابط قوم لر با دولت ملی متفاوت شد. به طوری که یکی از نیروهایی که در تلاش برای وقوع انقلاب اسلامی بود بی شک اقوام و عشایر لر بودند (پرچی، ۱۴۰۲: ۶۴-۷۷). با این حال، بررسی وضعیت حال حاضر قوم لر در مناطق خود نشان از نوعی محرومیت دارد که نیازمند بررسی و مذاقه است. یکی از مسائل و موضوعات اساسی در جوامع چند قومی و متکثر از جمله ایران که دارای تنوع فرهنگی و قومی و خرده فرهنگ‌های ایلی، قبیله‌ای و عشیره‌ای است، نحوه مدیریت قومی و خرده فرهنگ‌هاست. با این حال، با وجود گذشت زمان و تغییرات سیاسی، هنوز نیاز به توجه و رفع برخی از نیازهای قوم لر از سوی دولت ملی وجود دارد. این مسئله نشان‌دهنده این است که هنوز برخی از مسائل بنیادی و نیازهای قوم لر به طور کامل حل نشده و نیاز به تلاش‌های بیشتری از سوی دولت مرکزی برای ایجاد عدالت و تساوی در مناطق لرنشین وجود دارد. این تحلیل نشان می‌دهد که

<sup>۱</sup> اصطلاح "اقوام انیرانی" به اقوام و گروه‌های قومی غیر ایرانی اشاره دارد که در دوره‌های مختلف تاریخی در سرزمین ایران حضور داشته‌اند یا با ایرانیان تعامل داشته‌اند. این اقوام می‌توانند شامل مهاجران، مهاجمان، تجار، و یا گروه‌های دیگری باشند که از خارج از مرزهای ایران به این سرزمین آمده‌اند.

تعاملات قوم لر با دولت مرکزی، پیچیده و چندوجهی است و نیاز به توجه دقیق و تدابیر هوشمندانه‌ای دارد تا این تعاملات به طور پایدار و مؤثری ادامه یابد.

قوم لر از زمان ظهور دولت مدرن و به‌ویژه در دوره رضاشاه، همواره در تقابل با دولت مرکزی بوده‌اند. این تقابل ریشه در تعصبات عمیق فرهنگی و عشیره‌ای آنها دارد که به عنوان بخش مهمی از هویت قومی‌شان محسوب می‌شود. مقاومت در برابر تغییرات و تلاش برای حفظ سنت‌ها و ارزش‌های قبیله‌ای، آنها را به جنگ با دولت ملی وادار کرد. نتیجه این تقابل، نبردهای بسیاری مانند نبرد تنگ تامرادی بود که بین دولت پهلوی اول و لره‌های بویراحمدی شکل گرفت و تا مدت‌ها تنش بین بویراحمدی‌ها و اساساً قوم لر با دولت ملی ادامه داشت تا اینکه پهلوی دوم، با قدرت آمرانه خود، توانست تا حدودی زیادی، آرامش را در لرستان و دیگر مناطق لر نشین برقرار کند.

تعاملات قوم لر با دولت مرکزی، همیشه پیچیده و چالش‌برانگیز بوده است. تعصبات فرهنگی و عشیره‌ای قوم لر و مقاومت آنها در برابر تغییرات، باعث شده تا این قوم همواره در تقابل با دولت ملی باشند. با این حال، اعمال قدرت مرکزی در دوره پهلوی دوم، تا حدودی توانست آرامش و ثبات در این مناطق برقرار کند. رضاشاه، در کنار تاسیس دولت مدرن، تمرکز بر مدرنیته و بهره‌گیری از تکنوکرات‌هایی مانند محمدعلی فروغی و علی اکبر داور در دستگاه سیاسی خود مرتکب یک اشتباه سیاسی شد و آن برخورد تقابلی با اقوام بود که باعث شد تا مدت‌ها نیروهای نظامی و ارتش دولت، زمان خود را بر نبردهای داخلی با اقوامی چون لر صرف کنند. در زمان پهلوی دوم، در ده سال اول، به نظر می‌رسد نوعی سیاست مدارا با اقوام در دستور کار پهلوی دوم وجود داشت؛ به طوری که همین سیاست مدارا، موجب شد تا جنبش‌هایی چون تلاش برای استقلال کردها در مهاباد کردستان توسط قاضی محمد و تبریز توسط جعفر پیشه‌وری شکل گیرد که البته توسط دولت مهار شد. با این وجود پهلوی دوم، در قیاس با پهلوی اول، دولت مرکزی را با تساهل بیشتری نسبت به قوم لر مدیریت کرد و تنش‌های قوم لر با دولت ملی نسبت به قبل روندی کاهشی داشت.

با وقوع انقلاب اسلامی، به دلیل اینکه اقوام و عشایر، برای پیروزی انقلاب، تلاش بسیاری در کنار نیروهای دیگر کردند نگرش دولت ملی به قوم لر، قاعدتاً روندی بهتر را طی کرد؛ با این حال، نگاهی به وضعیت اقتصادی و اجتماعی قوم لر، پس از انقلاب نشان می‌دهد که دولت ملی پس از انقلاب باید بیشتر به این مناطق توجه خود را نشان دهد تا اتفاقات و تنش‌هایی مانند جنگ تنگ تامرادی در تاریخ آینده ایران، وجود نداشته باشد و اقوام در کنار یکدیگر برای امنیت و بالا بردن توسعه‌ی کشور گام بردارند و از تنش‌ها با دولت ملی پرهیز به عمل آید. توجه بیشتر دولت به توسعه این مناطق می‌تواند به همکاری بیشتر اقوام در جهت توسعه کشور کمک کند و از بروز تنش‌ها با دولت ملی جلوگیری نماید. اقداماتی همچون تقویت زیرساخت‌های اقتصادی، ایجاد فرصت‌های شغلی مستحکم، بهبود دسترسی به خدمات عمومی، حفظ و تقویت فرهنگ و زبان محلی، و ایجاد فرصت‌های آموزشی و پژوهشی مناسب، از جمله اقداماتی هستند که می‌توانند به توسعه پایدار مناطق لر نشین کمک کنند و نقش این اقوام در توسعه کشور را تقویت کنند. از آنجا که فرهنگ و زبان لری یکی از اصولی‌ترین عناصر هویت این اقوام است، دولت ملی به تقویت و حفظ این فرهنگ و زبان محلی اهمیت ویژه‌ای باید بدهد. این اقدامات باعث افزایش اعتبار و خودتحمکی اقوام لر خواهد شد. روشن است که با توجه به توسعه و تقویت مناطق لر نشین، همکاری بیشتر اقوام و عشایر با دولت ملی می‌تواند افزایش پیدا کند. این همکاری باعث پایداری و ارتقاء مشترک اقوام و دولت در جهت توسعه و پیشرفت کشور خواهد شد.

## مکانیسم روابط قومیت و دولت در ایران

اگر می‌خواستیم نظریه‌ای درباره‌ی قومیت و دولت در ایران داشته باشیم، نظریه‌ای که می‌توان استخراج کرد، بن مایه و اساس بررسی رابطه قومیت و دولت بر اساس دیگه تضاد استوار است. این تضاد به اشکال مختلفی بروز و ظهور یافته است. گاهی به فرهنگ غیررسمی بدل شده به مانند اشعار، جوک‌ها و ترانه‌هایی که از سوی مرکز و پیرامون بر علیه یکدیگر به وجود آمده است (نمونه بسیاری از آنها حتی در فضای مجازی اینستاگرام، تلگرام و ... کاملاً مشهود است). گاه نیز این تضاد و تقابل به وجه دیگر یعنی به صورت سخت (جنگ، کشتار، تبعید، زندان و ...) تبدیل شده است. (که نمونه در همه اقوام و گروه‌های قومی بسیار وجود دارد) در هر صورت این تئوری مرکز و پیرامون و تضاد بین آنها وجود داشته و دارد. برای این تقابل می‌توان چند چهارچوب (مدل) را در نظر گرفت و آن از وجوه نرم به وجوه سخت است که به صورت زیر می‌باشد:

### ۱. دو دشمن مرکز و پیرامون

اینکه در عین دشمنی با هم‌دیگر مدارا می‌کردند. به عنوان نمونه در میان قوم لر علی‌قلی‌خان پسر حسین قلی خان ایلخانی بختیاری، پس از اختلافات مشروطه خواهان و به توپ بستن مجلس شورای ملی به فرمان محمد علی شاه در عین دشمنی به فتح اصفهان پرداخت، به پشتیبانی از برادرش نجف قلی خان معروف به صمصام السلطنه ایل بختیاری و قوم لر، در اعتراض به این عمل برخاست و پس از فتح اصفهان به دست سواران بختیاری، از راه اراک، خود را به منطقه بختیاری رسانید و شخصاً فرماندهی سواران بختیاری را، در فتح تهران و ادامه دار بودن مشروطیت، عهده‌دار بود اما بعد از فتح تهران در عین دشمنی سعی بر خواسته‌های مشروطه درحالی که می‌توانستند چالش جدی برای حاکمیت قاجارها باشند تعاملات را حفظ کردند که قاجارها در حکومت بمانند و از طریق مجلس و به دست گرفتن چندین وزارتخانه یا دیوانسالاری تعاملاتی را با حکومت داشته باشند.

### ۲. نیازمندی و پیوند فرهنگی سیاسی در عین دشمنی

مدل دیگر دیگر آنکه در عین دشمنی دو طرف به هم‌دیگر نیاز داشته‌اند بنابراین برای حل مشکلات یکدیگر اهتمام و همکاری داشته‌اند. برای این امر مثال‌های زیادی از جمله تعاملاتی که اقوام و گروه‌های قومیتی در حمایت از حاکمیت دشمنی و اختلاف از خود نشان می‌داند، آنچه بیشتر مورد علاقه است مثال این امر در مقاومت مردم لر در بوشهر به رهبری غضنفر السلطنه دشتستانی و رئیس علی دلواری از طایفه رئیس را می‌توان مثال زد.

### ۳. مدل جنگ و نزاع برای برتری

دیگر آنکه وجه سخت را شامل می‌شود، رابطه دو طرف به این صورت است که بنا بر آنکه دشمن یکدیگر اند پس باید تقابل و جنگی تمام‌عیار و پایان‌ناپذیر در میان آن دو برقرار باشد (جنگ تا بجنگیم) در این مدل نمونه تاریخی بویراحمدی‌ها از همه خوانندی تر است زیرا با شکست نیروی زمین ارتش شاهنشاهی برای اولین بار در تاریخ از هوا مردمان یک کشور مورد هجوم قرار می‌گیرند، جنگ گجستان در پی اعمال قوانین اصلاحات ارضی و خلع سلاح عشایر توسط حکومت پهلوی و نارضایتی خوانین ایلات بویراحمدی صورت گرفت، بدنبال این قانون خوانین و کلانتران که املاک و اراضی وسیعی در اختیار داشتند مجبور می‌شدند قسمت زیادی از این اراضی را مابین مردم تقسیم کنند.<sup>۱</sup> سرانجام با فشار نظامیان بر عشایر جرقه رویارویی‌های عشایر و نظامیان در کوهمره

<sup>۱</sup> . بویراحمد تا قبل از انقلاب اسلامی همیشه و هر زمان احساس میکردند دولت مرکزی تضعیف شده است سعی بر تقابل و گرفتن سهم بر اساس جنگ را داشته‌اند بعد از انقلاب بنا به شروع شدن جنگ ایران و عراق و نیازمندی دولت مرکزی به توان عشایر وفادار به اسلام و ایران و بنا به این امر که برخی از روحانیون سرشناس در زمان

سرخی به رهبری حبیب الله خان شهبازی زده شد، در همین گیر و دارها، تعدادی از خوانین من جمله عبدالله خان و ناصرخان بوییر احمدی در تهران حضور داشته و بر اوضاع و احوال نا به سامان کشور آگاه می‌شوند و درحالی که قرارداد قانون اصلاحات ارضی را امضا کرده بودند، به بوییراحمد شتافتند و آماده جنگ با دولت مرکزی شدند.<sup>۱</sup>

#### ۴. مدل تعامل هوشمندانه

مدلی دیگر نیز برای این تقابل مفروض است و آن سازش هوشمندانه با یکدیگر است که به اشکال و انحاء مختلف صورت گرفته است مانند:

۴.۱ مبادله زن: ازدواج‌های مابین خوانین و شاهان که در میان دولت‌مردان قاجار پررنگ‌تر بوده است.

۴.۲ تعیین برخی از مقامات سیاسی ایل توسط دولت: موضوعات تاریخی پیرامون ایل‌خانی و ایل بیگی به خصوص پس از آنکه ظل‌السلطان شکم ایلخانی بختیاری را در اصفهان پاره می‌کند، تضاد میان بختیاری‌ها بر سر موضوع ایلخانی و ایل بیگی زیاد می‌ود. یعنی در میان خود بختیاری‌ها ایلخانی نقشی همانند استاندار امروزی را داشته و ایل بیگی نقش رئیس دارایی او را داشته است. یعنی ایل بیگی رابط بین دولت و ایل بوده است.<sup>۲</sup>

۴.۳ تعامل مبتنی بر سهم سیاسی ایل در اداره کشور: این مدل در تاریخ بسیار دارای مثال هست از جمله بعد از مشروطه و حضور لرها در نقش‌های کلیدی و نقش‌های سیاسی بسیار مشخص است که میتوان از سردار اسعد بختیاری تا تیمور و شاهپور بختیار اشاره کرد اما ایل بوییراحمد در بعد از انقلاب سعی داشته هموار با حمایت از هویت ایلی خود نقش مهمی داشته باشد

## نتیجه گیری

پژوهش حاضر حول این سوال شکل گرفته است که بررسی تاثیر و تاثر و نوع رابطه ی قوم لر با دولت ملی ایران و ادراک آنها از این مفهوم چگونه بوده است؟ در پاسخ در این پژوهش، به این منطقی رسیده شد که قوم لر، در سیر تاریخی خود، همیشه به دنبال نوعی استقلال هویتی بوده‌اند؛ به طوری که پس از مشروطه و در زمان قاجار، که بحث دولت مرکزی در ایران از جانب برخی از روشنفکران مطرح شد؛ نوعی تقابل دیدگاهی بین خوانین و اعیان قوم لر با روشنفکران آن زمان شکل گرفت و پس از به قدرت رسیدن رضاخان در سال ۱۳۰۴ و شکل دهی به دولت ملی، این تقابل، به شکلی گسترده تر خود را نمایان کرد، به طوری که به تنش‌هایی مانند

حکومت پهلوی (فراری یا تبعید) مهمان عشایر لر یا خود لر زاده بوده ایل بوییراحمد توانست کارنامه ای موفق را از خود به جا گذارد، نیروی انسانی ایل بوییراحمد توانست جایگاه ویژه ای را بعد از انقلاب به خود اختصاص دهد.

۱. و با خبرسانی جاسوسان پهلوی مبنی بر اینکه جلسات متعدد مشکوکی در بوییراحمد صورت می‌پذیرد و احتمال مخالفت خوانین با قانون اصلاحات ارضی و خلع سلاح عشایر خبر دادند. همین اوضاع را تشدید نمود و با بمباران هوایی مناطق و منازل خوانین را مورد هدف و التیماتوم قرار دادند. اما عبدالله خان و ناصرخان کار خودشان را کرده بودند و رضایت تعدادی از کدخدایان را برای درگیری و رویارویی با نظامیان شاهنشاهی گرفته بودند، و با یورش به ژاندارمری روستای توت نده (بوییراحمد) و جمع‌آوری اسلحه به حکومت اعلام جنگ نمودند، بعد از مدتی خوانین و سران بوییراحمدی، جنگجویانی را که قریب به سه هزار نفر بودند در کوه‌های صعب‌العبور گجستان که جزو استان فارس محسوب می‌شد هدایت کردند، و این چنین شد که درگیری تاریخی جنگ گجستان به رهبری عبدالله خان بوییر احمدی، ناصرخان بوییراحمدی و به فرماندهی ملاغلام حسین سیاهپور صورت گرفت. که در واقع خود جنگ با شکست نظامیان دولت مرکزی صورت پذیرفت و تعداد زیادی از نظامیان کشته و خلع سلاح شدند. اما با شروع بمباران هوایی در مناطق بوییراحمدی نشین جنگجویان را زمین گیر کردند، حکومت با تشخیص بر شکست ادامه جنگ، تصمیم بر جنگ نرم گرفتند که در نتیجه آن عده ای از کدخدایان به ادامه دادن جنگ مخالفت کردند و نتیجه نهایی جنگ با کشته شدن عبدالله خان در بستر خواب به دست نوکرش کشته شد و تسلیم و اعدام شدن خوانین از جمله ناصرخان و خداکریم خان و حسینقلی خان و جعفرقلی خان وفرماندهان شکست‌علنی صورت پذیرفت و در نتیجه هر دو قانون یعنی اصلاحات ارضی و خلع سلاح عشایر انجام گردید.<sup>۱</sup>

<sup>۲</sup> ایل‌خان عنصر درونی در ایل است و ایل بیگ عنصر دولت.



جنگ تامرادی کشیده شد که دولت ملی و قوم لر، خاصه بویراحمدی‌ها به نبرد با یکدیگر بر سر تمرد و یا تبعیت از دولت ملی پرداختند.

در زمان رضاشاه، اقوام تلاش می‌کردند تا هویت و تاریخ خود را حفظ کنند و دولت مرکزی، که سیر توسعه‌ی دولت‌ها اروپایی را در یکدست شدن اقوام تشخیص می‌داد در تلاش برای یکدست‌سازی و از بین بردن تنوع قومی بود. لذا تقابل بین اقوام مانند لرها با ماهیت دولت ملی از همان ابتدا خود را نشان داد و در زمان پهلوی دوم نیز این کشاکش طول کشید. به طوری که حتی ازدواج بالاترین مقام کشور یعنی محمدرضاشاه پهلوی با ثریا اسفندیاری که از قوم لر بود هم نتوانست این تقابل را به تفاهم کامل متمایل کند. با پیروزی انقلاب اسلامی، با توجه به تلاش قوم لر در وقوع آن و همراهی عشایر بویراحمدی با انقلاب، نوعی تساهل با دولت ملی از جانب قوم لر به وجود آمد. پس از پیروزی انقلاب و آغاز جنگ تحمیلی، لرها فعالانه در میدان جنگیدند و در راه میهن، عزت ملی و حفظ انقلاب از هیچ‌گونه فداکاری دریغ نکردند.

می‌توان نتیجه گرفت که تعاملات قوم لر با دولت مرکزی از یک سو پیچیده و چالش برانگیز بوده، به دلیل تعصبات فرهنگی و عشایری و مقاومت آنها در برابر تغییرات. در دوره پهلوی دوم، اعمال قدرت مرکزی تا حدی آرامش و ثبات را برقرار کرده، اما برخورد تقابلی نیز باعث تنش‌ها با اقوامی چون لر شده است. با وقوع انقلاب اسلامی، نگرش دولت به قوم لر بهبود یافته و بایدی که دولت ملی به مناطق لرنشین بیشتر توجه کند تا به توسعه و پیشرفت کمک کند و از بروز تنش‌ها با این اقوام جلوگیری کند. مسئله حقوق قومیت‌ها، و در کل، حقوق بشر در ایران مسئله‌ای پیچیده است (برای مثال نگاه کنید به افشاری، ۲۰۱۱؛ شاه‌قاسمی، ۲۰۱۷؛ کاترمان، ۲۰۱۷) و دولت‌های ایرانی باید برای مسائل محلی راه‌حل‌های خاص و اقتضایی پیدا کنند.

به طور کلی، همکاری بیشتر اقوام و عشایر با دولت ملی می‌تواند به پایداری و توسعه منطقه و بهبود مشترک کشور کمک کند. با این حال، محرومیت نسبی این منطقه از نظر اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی، نوعی گسست نسبی را در این منطقه بوجود آورده است که اگرچه نمی‌توان آن را با تقابل قوم لر در زمان رضاشاه با دولت ملی مقایسه کرد ولیکن باید سیاست‌گذاران نسبت به این گسست، هوشیارتر باشند و این مسئله را در کنار مدیریت و رسیدگی به قوم لر و دیگر اقوام حل کنند. تاریخ قوم لر از دوران پهلوی اول تا کنون، نشان‌دهنده تغییرات و تحولات متعددی است که تحت تأثیر سیاست‌های دولت‌های مختلف و تحولات اجتماعی و اقتصادی قرار داشته‌اند. هر دوره از تاریخ ایران تأثیرات خاصی بر وضعیت قوم لر داشته است که شامل تغییرات در ساختارهای اجتماعی، اقتصادی، و سیاسی است.

## منابع

- احمدنژاد ناکو، احمدی یعقوب، و ادیسی افسانه. (۱۴۰۰). ملوک الطوائفی، دولت ملی یا دولت ملت: واکاوی فهم دولت-ملت در اندیشه روشنفکران دوره قاجار. *مجله جامعه‌شناسی ایران*، دوره ۲۲.
- پرچی، داود. (۱۴۰۲). بررسی گرایش به اجتماع ملی و عوامل مؤثر بر آن. *پژوهش‌های راهبردی مسائل اجتماعی*، ۱۲(۳)، ۶۳-۹۸.
- تقی‌زاده، اکبر، (۱۳۹۱). اقوام ایرانی و قومیت در کتاب‌های درسی مقطع ابتدایی دوره پهلوی اول، تهران: نشر فروزان.
- حاجیانی، ابراهیم. (۱۳۸۷). نسبت هویت ملی با هویت قومی در میان اقوام ایرانی. *مجله جامعه‌شناسی ایران*، ۹(۳)، ۱۴۳-۱۶۴.
- روشن‌فکر، محمدمهدی. (۱۳۹۴). *بررسی تحولات سیاسی-اجتماعی ایل بویراحمده در دوره پهلوی (۱۳۰۴-۱۳۴۲)* [رساله دکتری تخصصی]. دانشگاه شیراز، دانشکده ادبیات و علوم انسانی.

- زکی پور، نعمت الله. (۱۴۰۱). واکاوی پیامدهای نبرد تنگ تمارادی (۱۳۰۹ ه. ش) بر زندگی اجتماعی مردم منطقه درگیر. *مطالعات تاریخی جنگ*, ۳(۳۶), ۶۲-۸۱.
- سلسله پهلوی و نیروهای مذهبی به روایت تاریخ کمبریج (۱۳۷۲)، مترجم عباس مخبر، چاپ دوم بهار، انتشارات طرح نو، تهران
- شکری، علی، شیاری، علی، و یوسفی جویباری، محمد. (۱۴۰۱). نقش پویایی فکری آذربایجان در تکوین ایده دولت ملی در ایران. *سیاست جهانی*, ۱۱(۱), ۱۲۹-۱۵۵.
- الطائی، علی (۱۳۹۶) *بحران هویت قومی در ایران*، نشر شادگان
- کیانی ده کیان، هوشنگ، عامری گلستانی، حامد، اکبرزاده، فریدون، و یوسفی، بهرام. (۱۴۰۰). دولت مدرن و نظام سیاسی تقسیمات کشوری جدید: عامل مهم در توسعه ناموزون و ناپایدار مناطق لرنشین در ایران. *مجله پژوهش های سیاسی و بین المللی*, ۱۲(۴۹), ۲۱۷-۲۳۸.
- نقیب زاده، احمد (۱۳۸۵). *دولت رضاشاه و نظام ایلی*، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- نیکوروان، هرمز. (۱۳۹۳). *بررسی موانع ایجاد شده توسط عشایر برای تکوین دولت مدرن در دوره رضاشاه* [پایان نامه کارشناسی ارشد]. دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمانشاه، دانشکده حقوق و علوم سیاسی.
- هادی رحمانی ساعد و همکاران (۱۳۹۸). *سیاست های قومی و اقوام ایرانی (مطالعه موردی قوم آذری، کرد و بلوچ)*، تهران، ناشر: دانشگاه عالی دفاع ملی.
- Afshari, R. (2011). *Human rights in Iran: The abuse of cultural relativism*. University of Pennsylvania Press.
- Basch, L., Schiller, N. G., & Blanc, C. S. (2020). *Nations unbound: Transnational projects, postcolonial predicaments and deterritorialized nation-states*. Routledge.
- Bearman, Th. Bianquis, C.E. Bosworth, E. van Donzel and W.P. Heinrichs. (2007) *Encyclopaedia of Islam*, Second Edition Brill.
- Dambrun, M., Taylor, D. M., McDonald, D. A., Crush, J., & Méot, A. (2013). The relative deprivation-gratification continuum and the attitudes of South Africans toward immigrants: A test of the V-curve hypothesis. *Journal of Personality and Social Psychology*, 91(6), 1032-1044
- Donnan, H., & Wilson, T. M. (2021). *Borders: Frontiers of identity, nation and state*. Routledge.
- Elling, R. C. (2018). *Tribal hands and minority votes: ethnicity, regionalism and elections in Iran*. In *Minority Politics in the Middle East and North Africa* (pp. 46-62). Routledge.
- Gunter, M. M. (2020). *The struggle for Kurdish citizenship*. In *Routledge Handbook of Citizenship in the Middle East and North Africa* (pp. 291-305). Routledge.
- Katzman, K. (2017). *Iran: Politics, human rights, and US policy*. Congressional Research Service.
- Kendall, Diana, (2005) *Sociology In Our Times*, Thomson Wadsworth
- Kitching, P. (2015). The Sykes-Picot agreement and lines in the sand. *Historian*, (128), 18.
- Leviston, Z., Dandy, J., Jetten, J., & Walker, I. (2020). The role of relative deprivation in majority-culture support for multiculturalism. *Journal of Applied Social Psychology*, 50(4), 228-239.
- Mazzucotelli, F. (2016). Is There a Sykes-Picot Syndrome in the Middle East?. *IL POLITICO* (Univ. Pavia, Italy), 81(3), 28-43.
- Ottaway, M., & Ottaway, D. (2014). How the Kurds Got Their Way: Economic Cooperation and the Middle East's New Borders. *Foreign Aff.*, 93, 139.
- Patel, D. S. (2016). Repartitioning the sykes-picot middle east? debunking three myths. *Middle east brief*, 103, 1-9.
- Samii, A. W. (2000). The nation and its minorities: Ethnicity, unity, and state policy in Iran. *Comparative Studies of South Asia, Africa and the Middle East*, 20(1), 128-137.
- Schreurs, B., Hamstra, M. R., Jawahar, I. M., & Akkermans, J. (2021). Perceived overqualification and counterproductive work behavior: testing the mediating role of relative deprivation and the moderating role of ambition. *Personnel Review*, 50(3), 1038-1055.
- Shahghasemi, E. (2017). *Iranians in the Minds of Americans*. New York: Nova Publishing.
- Shahghasemi, E. (October 26, 2016). Human Rights against Human Rights: Sexism in Human Rights Discourse for Sakineh Mohammadi. *Society*, 53(6), 614-618.

- Shahghasemi, E., Prosser, M. (2019). The Middle East: Social Media Revolution in Public and Private Communication. *International Conference on Future of Social Sciences and Humanities*, Warsaw. <https://www.doi.org/10.33422/fshconf.2019.06.345>
- Valluvan, S. (2021). *The clamour of nationalism: Race and nation in twenty-first-century Britain*. In *The clamour of nationalism*. Manchester University Press.
- Walker, Iain, Heather J. Smith, (2001), *Relative Deprivation: Specification, Development, and Integration*, Cambridge University Press.





پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی